

در همان روزگاران بود که آن مرد گرامی مرا به غلط گیری کتاب هر مزد نامه که به نام نوّه نازنینش چاپ می شد واداشت. آن کتاب بود که مرا با آگاهیهای ژرف و بسیار دل انگیز در قلمرو فرهنگ ایران باستان آشنا ساخت.

نخستین معلم واقعی من بیرون از دانشگاه او بود. بیغرضان می داند او از بنیادگذاران نخستین و یکی از پنج شش تن پیشگام این راه فرخنده است.

چند سال پس از آن سفر دیگری با او پیش آمد و آن رفتن به کنگره بین المللی خاورشناسان در مسکو بود (۱۹۶۰). پورداود رئیس هیأت ایرانی بود و سعید نفیسی و مجتبی مینوی و دکتر محمد معین و دکتر ماهیار نوابی و دکتر احسان یارشاطر و این قلمفروسا عضو. یاد باد آن روزگاران یاد باد. درود بر روان آن دانای ایران دوست و بر شما که یاد او را دور از ایران تازه کرده اید و مرا به یاد سالهایی انداختید که از نفس گرم ایران دوستانه آن بزرگوار بهره ور می بودم.

تهران، شانزدهم شهریور ۱۳۸۵

۱۱۷۵ - یادگارهایی از معماریهای ماندگار

«گروه معماری دوران تحوّل» مرکب از سهراب سروشینی (زاده کرمان ۱۳۳۹) - ویکتور دانیل (مشهد ۱۳۳۵) - بیژن شافعی (مهاباد ۱۳۳۹) از سال ۱۳۶۲ به کار مهمی دست یازیده اند و آن رسیدگی علمی و عکس برداری دقیق و نقشه پردازی فنی از ساختمانهایی است که در دوران تحوّل معماری - طبعاً دوره رضا شاه - ایجاد شده است.

حاصل این پژوهشها انتشار دو مجلد کتاب زیبا و عالی است که توسط انتشارات «دید» در دسترس قرار گرفته است با این مشخصات و نام:

۱) معماری کریم ظاهرزاده بهزاد. تألیف همان سه دوست و همکار، تهران، ۱۳۸۴، قطع رحلی. ۱۷۶ صفحه فارسی و ۲۳ صفحه انگلیسی و مقادیری عکسها و نقشه ها که چون به آنها شماره نداده اند نمی توانم دقیقاً بگویم چند تاست. ولی تقریباً در همه صفحات عکسی آمده و بعضی از صفحه ها منحصرأ عکس است.

کریم ظاهرزاده (۱۲۶۷ - ۱۳۴۲) در عثمانی و سپس آلمان تحصیل کرد. او از مشروطه خواهان بود، کتابش به نام «قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران» گویای تفکر و تمایل اوست.

آنچه از آثار و کارهای او درین کتاب معرفی شده: آرامگاه فردوسی - بیمارستان شاهرضا (مشهد) - فلکه مشهد - آرامگاه خیام - تاتار شیر و خورشید مشهد - نمای شمالی مجلس شورای ملی - دانشگاه جنگ - کارخانه چیت بهشهر - ایستگاه راه آهن سمنان - هنرستان راه آهن تهران - ساختمان امور اداری راه آهن - ساختمان اداره پاسبانی راه آهن - در اغلب این ساختمانها نفوذ تمدن

ایرانی مخصوصاً جلوه‌هایی از تخت جمشید به چشم می‌خورد. ایران دوستی به خمیره طاهرزاده عجبین بود. همان طور که برادرش حسین (هنرمند و طراح) ازین خصیصه ملی برخوردار می‌بود.
 (۲ معماری نیکلای مارکف، تألیف همان سه دوست و همکار. قطع رحلی. تهران. ۱۳۸۲. ۱۶۵ صفحه فارسی + ۲۳ صفحه انگلیسی)

مارکف (۱۲۶۱ - ۱۳۳۶) متولد تفلیس بود و ظاهراً در ۱۹۱۵ به ایران آمد و جزو بیریگاد قزاق بود و با میرینج رضاخان همکاری داشت. از سال ۱۹۲۱ از نظامی‌گری دست کشید و به معماری که در آن رشته تحصیل کرده بود پرداخت و در ایران ماند و در دولاب (طهران) به خاک رفت
 از ساختمانهای کار او: کالج امریکائی البرز - دانشسرای عالی در زمان دارالمعلمین بودن - مدرسه عالی فلاح کرج - مدرسه دارالفنون - دانشسرای مقدماتی - دو دبیرستان در همدان و ساری - اداره پست تهران - زندان قصر - ورزشگاه امجدیه - کارخانه قند کرج - سرم‌سازی حصارک - کارخانه قند ورامین - خانه‌های استادان مدرسه عالی فلاح کرج - شهرک مسکونی قند ورامین - نمازخانه حضرت مریم - کلیسای ارتدکس - مسجد امین الدوله در خیابان فخرآباد تهران.
 ساختن بعضی ازین بناها چند سال طول می‌کشیده. مثلاً اداره پست میان ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ - مدرسه دارالفنون میان ۱۳۰۷ - ۱۳۱۴.
 برای کار بزرگ این سه دوست همکار پژوهشگر خوش سلیقه ایران دوست فقط ادامه دادن به این راه درست و اساسی را خواستاریم.

۱۱۷۶ - سندی دیگر برای اراک بودن اراک

در کتابخانه بریتانیا نسخه‌ای خطی در زمینه داستان سلیمان به شماره Add ۹۸۳۸ هست که آقای آن را تصحیح کرده است.
 نام مؤلف این متن با ارزش از اواخر قرن ششم هجری (یا آغاز قرن هفتم) شرف‌الدین زین‌الاسلام... امام الائمة مفتی اراک و آذربایجان (کذا به دال) یاد شده است و نیک مشخص است که از آن دوران نام این سوی ارس و آن سویش چه می‌بوده است.
 این نسخه مورخ ۸۹۰ است به خط محمدبن علی السلطانیوی (یعنی از اهالی سلطانیه).

فارس پژوهی

عمادالدین شیخ الحکمایی شماره‌های ۱۰ تا ۱۴ از مجموعه آثار فارس پژوهی را منتشر کرد. البته عمده آنها مربوط به کارزون است. هم‌نش پایدار باد که یک تنه بیش و بهتر از مؤسسات دانشگاهی و فرهنگی شهر خویش کتابها و پژوهشهای خوب منتشر کرده است.